

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: خسرو کریمی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

رمز پرچم‌های سیاه منصور هاشمی خراسانی چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

رمز استفاده‌ی منصور هاشمی خراسانی از پرچم سیاه چهار چیز است:

یکم اینکه استفاده از پرچم سیاه، سنت است؛ چراکه پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیاه بود؛ چنانکه ابن عباس و بریده و جابر و عائشه و دیگران این را روایت کرده‌اند و یونس بن عبید مولى محمد بن قاسم گفته است: «بَعَثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ إِلَى الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ أَسْأَلُهُ عَنْ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: كَانَتْ سَوْدَاءَ مُرَبَّعَةً مِنْ نَمْرَةٍ»^۱؛ «محمد بن قاسم من را به سوی براء بن عازب فرستاد تا از او درباره‌ی پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بپرسم، پس گفت: سیاه‌رنگ چهارگوش از جنس نمره (نوعی پارچه) بود» و از ابو هریره روایت شده است که گفت: «كَانَتْ رَايَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قِطْعَةً قَطِيفَةً سَوْدَاءَ كَانَتْ لِعَائِشَةَ»^۲؛ «پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پارچه‌ی مخمل سیاه‌رنگی متعلق به عایشه بود» و عمرة بنت عبد الرحمن روایت کرده است: «كَانَتْ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَوْدَاءَ مِنْ مِرْطٍ لِعَائِشَةَ مُرَحَّلٍ»^۳؛ «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیاه‌جامه‌ای نادرین شده متعلق به عائشه بود» و مانند این را سعید بن مسیب نیز روایت کرده^۴ و حارث بن حسان روایت کرده است:

۱. مسند أحمد، ج ۳۰، ص ۵۸۹؛ التاريخ الكبير للبخاري، ج ۸، ص ۴۰۳؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۳۲؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۱۹۶؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۸، ص ۱۹؛ مسند أبي يعلى، ج ۳، ص ۲۵۵؛ مسند الروياني، ج ۱، ص ۲۷۳؛ أخلاق النبي لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۲، ص ۴۱۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۶، ص ۵۸۹
۲. الكامل لابن عدي، ج ۳، ص ۴۵۷؛ تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر، ج ۴، ص ۲۲۵
۳. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۵۳۲؛ أخلاق النبي لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۲، ص ۴۱۸؛ شرح السنة للبيهقي، ج ۱۰، ص ۴۰۴
۴. تاريخ خليفة بن خياط، ص ۶۷؛ تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر، ج ۴۲، ص ۷۳

«قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فَإِذَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمُنْبَرِ وَبِلَالٌ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَقَلِّدًا سَيْفًا وَإِذَا زَايَاتٌ سُودٌ فَقُلْتُ: مَا هَذِهِ الزَّيَّاتُ؟ قَالُوا: هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ أَنْ يَبْعَثَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ وَجْهًا»؛ «به مدینه آمدم، پس دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر منبر است و بلال شمشیر بر دوش رو به روی او ایستاده و پرچم‌های سیاهی افراشته شده است، پس گفتم: این پرچم‌ها چیست؟ گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواهد عمرو بن عاص را به سوی اعزام کند» و در روایتی دیگر آمده است: «عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ قَدِمَ مِنْ غَزَاةٍ»^۱؛ «عمرو بن عاص از جنگی برگشته است» و ابن سعد از رجال خود روایت کرده است که گفتند: «بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي خَمْسِينَ وَمِائَةً رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى مِائَةِ بَعِيرٍ وَخَمْسِينَ فَرَسًا وَمَعَهُ زَايَةٌ سُودَاءُ»^۲؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابی طالب را به همراه صد و پنجاه مرد از انصار و سوار بر صد شتر و پنجاه اسب به جنگ فرستاد در حالی که با او پرچم سیاهی بود» و قتاده از انس روایت کرده است که گفت: «إِنَّ ابْنَ أُمَّ مَكْتُومٍ كَانَتْ مَعَهُ زَايَةٌ سُودَاءُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۳؛ «ابن امّ مکتوم در برخی جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همراه خود پرچم سیاهی داشت که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود». همچنین، روایت شده است که زبیر بن عوام در روز فتح مکه، در میان پانصد نفر از مهاجران و قبایل عرب وارد مکه شد، در حالی که به همراه او پرچم سیاهی بود^۴ و یزید بن ابی حبیب گفته است: «كَانَتْ زَايَاتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُودًا»^۵؛ «پرچم‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیاه بود» و حسن گفته است: «كَانَتْ زَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُودَاءَ تُسَمَّى الْعُقَابَ»^۶؛ «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیاه بود و عقاب نام داشت» و ابن از ابو هریره نیز روایت شده است^۷ و از عروه بن زبیر روایت شده است که گفت: «كَانَتْ زَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُودَاءَ مِنْ بُرْدٍ لِعَائِشَةَ تُدْعَى الْعُقَابَ»^۸؛ «پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سیاه از پارچه‌ای متعلق به عایشه بود که عقاب نام داشت» و از امّ حسین بنت عبد الله بن محمد بن علی بن الحسین روایت شده است

۱. مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۵۳۲؛ مسند احمد، ج ۲۵، ص ۳۰۳؛ تاریخ المدینة لابن شیبہ، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۴۵؛ تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۲۱۷؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۳، ص ۲۵۵؛ العظمة لأبي الشيخ الأصبهاني، ج ۴، ص ۳۲۰؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۲، ص ۷۹۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۶، ص ۵۹۰
۲. مغازي الواقدي، ج ۳، ص ۹۸۴؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۲، ص ۱۶۴
۳. نسائي أن را با این لفظ در السنن الكبرى (ج ۸، ص ۱۹) روایت کرده است.
۴. مغازي الواقدي، ج ۲، ص ۸۱۹
۵. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۳۵۲
۶. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۳۵۲؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۵۳۳؛ الأنوار في شمائل النبي المختار للبخاري، ص ۵۹۲
۷. ابن عدي أن را در الكامل روایت کرده است (ج ۵، ص ۴۷۵).
۸. شرح السير الكبير للسرخسي، ص ۷۱ و مثل آن در مغازي الواقدي (ج ۲، ص ۶۴۹).

که در حدیثی گفت: «قَالَ لِي عَمِّي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: يَا بَنِيَّةُ! هَذِهِ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْعُقَابُ، ثُمَّ أُخْرِجَ خِرْقَةً سَوْدَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ، ثُمَّ أَعْطَانِيهَا فَوَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنَيَّ وَوَجَّهِي»^۱؛ «عمویم جعفر بن محمد به من گفت: دخترم! این پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عقاب است. سپس پارچه‌ای سیاه را بیرون آورد و بر چشمانش گذاشت و سپس آن را به من داد و من نیز آن را بر چشمانم و بر صورتم گذاشتم». به علاوه، پرچم علی بن ابی طالب در جنگ‌هایش نیز سیاه بود؛ چنانکه حرث بن محس روایت کرده است: «إِنَّ رَايَةَ عَلِيٍّ كَانَتْ يَوْمَ الْجَمَلِ سَوْدَاءَ»^۲؛ «هرآینه پرچم علی در روز جمل سیاه بود» و از علی علیه السلام روایت شده است که در روز صفین با اشاره به صاحب پرچمش ابو ساسان حُصین بن منذر رقاشی فرمود:

«لِمَنْ رَايَةَ سَوْدَاءَ يَحْفِقُ ظِلْمًا... إِذَا قِيلَ قَدَّمَهَا حُصَيْنٌ تَقَدَّمَ

يُقَدِّمُهَا لِلْمَوْتِ حَتَّى يُزِيرَهَا... حِيَاضَ الْمَنَايَا يَقَطُرُ الْمَوْتَ وَالِدَمًا

أَذَقْنَا ابْنَ حَرْبٍ طَعْنًا وَضْرَابًا... بِأَسْيَافِنَا حَتَّى تَوَلَّى وَأَحْجَمًا

جَزَى اللَّهُ قَوْمًا قَاتَلُوا عَنِ إِمَامِهِمْ... لَدَى الْمَوْتِ قُدَمَا مَا أَعَفَّ وَأَكْرَمًا»^۳

«برای کیست پرچم سیاهی که سایه‌ی آن فرو می‌افتد؟ هنگامی که گفته می‌شود ای حُصین آن را پیش بیاور پیش می‌رود. پس آن را به سوی مرگ روانه می‌کند تا به آشخورهای مرگ درآورد که از آن‌ها نابودی و خون می‌چکد. ما به پسر حرب طعم نیزه‌ها و ضربه‌های خود را چشاندیم، با شمشیرهایمان، تا روی گرداند و گریخت. خداوند جزای خیر دهد گروهی را که تا پای مرگ در کنار امامشان جنگیدند، چه شریف و بزرگوار بودند!».

برخی علما احتمال داده‌اند که علاقه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پرچم سیاه از باب تفأل یعنی به فال نیک گرفتن بوده است؛ چنانکه گفته‌اند: «إِنَّ الْحِكْمَةَ فِي إِثَارِ الْأَسْوَدِ يَوْمَ الْفَتْحِ الْإِشَارَةُ إِلَى مَا مَنَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ مِنَ السُّودِ الَّذِي لَمْ يَتَّفِقْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلَهُ، وَإِلَى سُودِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ»^۴؛ «حکمت ترجیح رنگ سیاه (سود) در روز فتح مکه اشاره به <سود> یعنی ظفر و سیادت بود که برای هیچ یک از پیامبران پیشین حاصل نشده بود و نیز ظفر و سیادت اسلام و اهل آن» و این بعید نیست؛ چراکه «سُود» به معنای عظمت و مجد و شرف است و «مُسُود» به معنای سید یعنی سرور و سالار است؛ چنانکه در حدیث قیس بن عاصم آمده است:

۱ . بصائر الدرجات للصفار، ص ۲۰۷

۲ . مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۵۳۳؛ المؤلف والمختلف للدارقطنی، ج ۴، ص ۲۰۸۷

۳ . أنساب الأشراف للبلاذري، ج ۲، ص ۲۷۰؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۷؛ الفتوح لابن أعمش، ج ۳، ص ۲۸؛ مروج الذهب للمسعودي، ج ۳، ص ۴۸؛ تجارب الأمم لابن مسكويه، ج ۱، ص ۵۳۲؛ الكامل في التاريخ لابن الأثير، ج ۲، ص ۶۵۰؛ بغية الطلب في تاريخ حلب لابن العديم، ج ۶، ص ۲۸۳۴

۴ . منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلى شمائل الرسول للحجی، ج ۱، ص ۵۱۷ و آن را به علما نسبت داده است.



«اتَّقُوا اللَّهَ وَسَوُّدُوا أَكْبَرُكُمْ»^۱؛ «از خداوند بترسید و بزرگتان را سید قرار دهید» و در حدیث ابن عمر آمده است: «مَا رَأَيْتُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَسْوَدَ مِنْ فُلَانٍ»^۲؛ «پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسی را سیّدتر از فلانی ندیدم» و روایت شده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تفأل را خوش می‌داشت و نام‌های نیکو را به فال نیک می‌گرفت^۳. بنابراین، استفاده‌ی منصور هاشمی خراسانی از پرچم‌های سیاه، پیروی از سنت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سنت خلیفه‌ی راشدش علی بن ابی طالب علیه السلام است و این چیز عجیبی نیست؛ چراکه او در هر چیزی از سنت آن دو پیروی می‌کند و حرکت مبارک آن دو برای اقامه‌ی دین خالص و پر شدن زمین از عدل و داد را ادامه می‌دهد و تردیدی نیست که مناسب‌ترین پرچم برای کسی که این کار را می‌کند و ندای «بازگشت به اسلام» را سر می‌دهد و برای به قدرت رسیدن مهدی زمینه‌سازی می‌کند، همان پرچم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و پرچم علی بن ابی طالب علیه السلام است.

دوم اینکه استفاده از پرچم سیاه، برای مؤمنان در روزی که جمع می‌شوند و در راه خداوند جهاد می‌کنند، سودمندتر است؛ چنانکه سرخسی در شرح السیر الکبیر گفته است: «إِنَّمَا اسْتُجِبَّ فِي الرِّايَاتِ السَّوَادُ لِأَنَّهُ عَلَّمَ لِأَصْحَابِ الْقِتَالِ، وَكُلُّ قَوْمٍ يُقَاتِلُونَ عِنْدَ رَأْيَتِهِمْ، وَإِذَا تَفَرَّقُوا فِي حَالِ الْقِتَالِ يَتَمَكَّنُونَ مِنَ الرُّجُوعِ إِلَى رَأْيَتِهِمْ، وَالسَّوَادُ فِي ضَوْءِ النَّهَارِ أَبْيَنُ وَأَشْهَرُ مِنْ غَيْرِهِ خُصُوصًا فِي الْعُبَارِ، فَلِهَذَا اسْتُجِبَّ ذَلِكَ»^۴؛ «رنگ سیاه در پرچم‌ها از این جهت استحباب دارد که علامتی برای جنگجویان است و هر گروهی نزد پرچم خود به جنگ می‌پردازند و هرگاه در حین جنگ پراکنده شدند می‌توانند به نزد پرچم خود بازگردند و سیاه در روشنایی روز روشن‌تر و آشکارتر از رنگ‌های دیگر است، خصوصاً در میان گرد و خاک و از این جهت، استحباب پیدا کرده است».

سوم اینکه استفاده از پرچم سیاه، رسمی رایج و متعارف میان کسانی است که به مصیبت عظیمی دچار شده‌اند، تا حدی که عرفاً دلالت بر وقوع حادثه‌ای مهم و تأسّف‌بار دارد و گونه‌ای اطلاع‌رسانی درباره‌ی یک فاجعه به شمار می‌رود و محتمل است که این، یکی از چیزهایی باشد که منصور هاشمی خراسانی را به استفاده از پرچم‌های سیاه ترغیب کرده است؛ زیرا او به مصیبت عظیمی دچار شده که هیچ‌گاه از زمانی که خداوند بنی‌آدم را در زمین ساکن کرده، واقع نشده و آن غیبت خلیفه‌ی خداوند در زمین است که به پر شدن زمین از جهل و کفر و ظلم و فسق منجر شده و این مصیبتی است که مردم به رغم گستردگی و عظمتش از آن غافل هستند و به همین

۱. مسند أحمد، ج ۳۴، ص ۲۱۷؛ الأدب المفرد للبخاری، ص ۱۸۸؛ شعب الإيمان للبيهقي، ج ۵، ص ۴۱.
۲. الأحاد والمثاني لابن أبي عاصم، ج ۱، ص ۳۷۹؛ السنة لأبي بكر بن الخلال، ج ۲، ص ۴۴۲؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۲، ص ۳۸۷؛ معرفة الصحابة لأبي نعیم الأصبهانی، ج ۵، ص ۲۴۹۶.
۳. نگاه کنید به: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۷۰؛ شرح مشکل الآثار للطحاوي، ج ۵، ص ۹۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۳، ص ۴۹۳.
۴. شرح السیر الکبیر للسرخسی، ص ۷۲.

دلیل، منصور هاشمی خراسانی از پرچم‌های سیاه استفاده کرده است تا مردم را به آن متوجه سازد و تبعاً این پرچم‌ها را پایین نخواهد آورد تا آن گاه که این مصیبت پایان یابد ان شاء الله.

چهارم آنکه استفاده از پرچم سیاه، مقابله‌ای آشکار با فرقه‌ی ظالم و فاسدی است که «داعش» نام دارد؛ چراکه این فرقه اندکی قبل از ظهور منصور هاشمی خراسانی در خراسان، در شام و عراق ظاهر شد و پرچم‌های سیاهی را برای دعوت به سوی حکومت مردی گمراه و گمراه کننده به نام ابوبکر بغدادی استفاده کرد. پس چون منصور هاشمی خراسانی آن را دید، پرچم‌های سیاهی را برای دعوت به سوی حکومت مهدی استفاده کرد تا با این شیوه، در برابر این انحراف بزرگ و خطرناک از مسیر اسلام بایستد؛ چنانکه خود در بخشی از کتاب شریف «بازگشت به اسلام» با اشاره به این گروه شوم، فرموده است:

«پس خواستم که از این فتنه پیشگیری کنم و میدان را از چنین کسانی بگیرم؛ بل شنیدم که ندایی به باطل در غرب بلند شده است، پس خواستم که ندایی به حق در شرق بلند شود، تا تنها ندایی به باطل در جهان شنیده نشود، مبدا مسلمانان بر باطل اجتماع کنند و عذاب خداوند بر آنان نازل شود؛ چراکه حکومت تنها برای خداوند است و آن را به هر کس از بندگانش که خواهد، می‌سپارد و او کسی جز مهدی فاطمی را نخواسته که مورد رضای آل محمد و مورد رضای همه‌ی مسلمانان است»^۱.

این رمز استفاده‌ی منصور هاشمی خراسانی از پرچم‌های سیاه است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
 مجله‌ی حکمت با حکمتی بهر شیوه



۱. بازگشت به اسلام، ص ۲۸۷